

## پیشگفتار

ما امروزه در دنیایی زندگی می‌کنیم که مردمانش با فرهنگها و فعالیتهای مختلف چه از طریق رسانه‌های نوین یا طرق سنتی با یکدیگر مواجه‌اند و حشر و نشر می‌کنند؛ به منظور ارتباط و تعامل در جستجوی ایجاد فضایی پویا برمی‌آیند و در حفظ و بالندگی زبان شفاهی و کتابت خود می‌کوشند تا هویت انسان امروز را مورد بررسی و بررسی مجدد قرار دهند. در پی آن هستند تا فرصتهایی برای هنرهای اجرایی با هدف تبادل و غنی‌سازی آن ایجاد کنند، زبانی نو برای آنها بیابند، راههای جدیدی برای اشکال جدید بیان پیدا نمایند تا جامعه‌ای را که در آن به سر می‌بریم حقیقی‌تر بازتابانند. جامعه‌ای را نمی‌توان نشان کرد که فاقد فرهنگ به مفهوم عام آن نباشد.

اگر فرهنگ هر جامعه پدیده معنوی و مادی عظیم و گسترده‌ای است که چهره تمدن آن جامعه را منعکس می‌سازد، پس به تعبیری براساس تجربه تاریخی می‌توان ادعا کرد که تئاتر در مقام جامع‌ترین جزء فرهنگ این توان و قابلیت را داشته و دارد که ماهیت آن جامعه را در آئینه وجود خود به نمایش گذارد. گمان می‌کنم این معنا اگر نه بر همگان که دست‌کم بر اهل تئاتر روشن و آشکار باشد. اما همگان می‌دانند این هنر چه خاستگاهی دارد و از دستاوردهای آن آگاه‌اند. از وجود انسانهای بزرگ هنرمند، اندیشمند و آگاه که تئاتر به جوامع مختلف هدیه کرده است باخبرند، توان فرهنگ‌سازی آن را می‌شناسند و از راههای ارزش‌آفرین که پیشروی در آنها را رهنمود داده است آگاه‌اند...

قصد آن ندارم که در اینجا با پیش کشیدن این‌گونه آگاهیها به امر مهم ماهیت و نحوه مدیریت تئاتر در کشورمان بپردازم و همچنان پای اشارات آسیب‌شناسی و چه و چه را - که صد البته لازم و ضروری است - به میان بکشم. چرا که گفته‌اند و خواهند گفت.

اما از سویی هم به یمن حضور معرفت‌آمیز افرادی در این عرصه می‌توان امیدوار بود که تئاتر خواهد توانست در این سرزمین جایگاه و مقام حقه خود را بیابد و از قیدوبندهایی که این زمان گرفتار آن است و از توقعات نامناسب و نامتناسب با شأن و قابلیتها و کارکردهای عمومی ضابطه‌مند آن رها شود و چهره راستینش از پس چهره ناراست و بی‌اندیشه و جشنواره‌ای کنونی به توده مردم نشان داده شود (در چنین صورتی می‌توان - برحسب ادعا - بوق بدصدای تهاجم فرهنگی را، چه داخلی و چه خارجی، از نفس انداخت). از یاد نبریم که تئاتر به واسطه یکی از کارکردهای عظیم اجتماعی و فرهنگی‌اش، همواره حافظ منافع و پویایی زبان شفاهی و کتابت جوامع در اعصار مختلف بوده است. زبان، دارایی فرهنگی و هویت‌بخش هر جامعه‌ای شمرده می‌شود. حفظ و نوسازی آن پیش از آنکه به نشست و برخاستهای فرهنگستانی منوط باشد بر عهده هنرها و تعاملات مردمی است. مردمانی که به معرفت، اندامهای گفتار و جهاز صوتی مجهزند. این اندامها و جهازها هرچه کارآمدتر و مجرب‌تر به میدان آیند زبانی را که حامل آن هستند گویاتر به صدا در خواهند آورد. هدف این مجلد نیز به دنبال جلد نخست آوردن مطالبی نظری و عملی است تا با به کار بستن آنها بتوان اندامهای مزبور را صیقل داد و روان ساخت و به کار برد.

باری، سرانجام جلد دوم صدا و بیان برای بازیگر پس از چند سال تأخیر آماده شد و حال به شکل کنونی در دسترس قرار گرفته است. عمده علت این تأخیر وسواس در گزینش مواد و محتوا و نحوه تدوین و آرایش

آنها بوده است و قدری هم گرفتاریهای اجرایی. می‌بایست ماهیت مکمل این جلد به دنبال جلد نخست حفظ می‌شد و هم اینکه مراقبت می‌گردید نکته‌ای منظور از قلم نیفتد یا مطلبی ناخواسته و ندانسته و تکراری به این یک، راه نیابد. از این‌روست که آماده‌سازی کتاب روندی کند داشته است.

جلد اول به عنوان کتابی که در زمینه «صدا و بیان» نخستین بار در «اینجا» تألیف می‌شد واکنشهایی را عمدتاً مثبت و تشویق‌آمیز برانگیخت، پس طبیعی است که در مقام محصولی فنی و علمی با توجه به ماهیت خاصش از معدودی اشکال - در ارتباط با موسیقی و بعضاً سهواً - بی‌نصیب نمانده باشد. از این‌رو با کسب تجربه‌ای از این بابت مجلد حاضر را به دست فردی آگاه و اهل فن موسیقی سپردم تا پیش از چاپ درستی اشارات موسیقایی تأیید شود یا مواد نادرست تصحیح و برطرف گردد. همین‌جا از این عزیز گرانقدر آقای کامران امید تشکر می‌کنم. نیز جا دارد تأکید کنم مجله‌های صدا و بیان برای بازیگر به نحوه تولید صدا و طرز استفاده از آن در حرفه بازیگری می‌پردازد و به هیچ روی درباره موسیقی و آواز و خوانندگی نیست، اگرچه برای کسانی هم که در این عرصه آموزش می‌بینند و فعالیت می‌کنند بی‌فایده نخواهد بود.

قاعده بر این است که توقع داشته باشیم هر بار که بازیگر نقشی را ایفا می‌کند، به تجلی گونه‌ای شخصیت متفاوت میدان دهد، در غیر این صورت اگر نه کلیت اجرای او، که به یقین شخصیت‌پردازی او به لحاظ صوتی صبغه تکرار می‌یابد و این اشکال، چنانچه دغدغه‌ای در میان باشد، اگر هرچه زودتر برطرف نشود، هرچند هم او را بر سکوی اول ایستانده باشند، موجب می‌شود مفهوم بازیگری وی چه بخواند و چه نخواهد رنگ بیازد.

در مقام بازیگر لازم است بدانیم که می‌توان دامنه وسیعی از کیفیتهای صوتی را با تنظیم گروههای عضلانی جهاز صوتی خلق کرد. در این خصوص در جلد اول در حد ظرفیت، رهنمودها و تمرینهایی آورده شده است و بنا به روندی تکاملی در این مجلد نیز دنبال می‌شود.

نظر به تازگی تمرینهای جلد دوم اگر بدو تمرینی را مشکل یافتید به تمرینی دیگر بپردازید و از دوستانی که ماهرترند کمک بگیرید. بر کار یکدیگر نظارت کنید. کار روی صدا همیشگی است و به زمان نیاز دارد. پیشرفت در این راه منوط به آمادگی عضلانی و اندامهاست و قهراً نمی‌توان از آنها توقع همکاری داشت. چنانچه جلد اول را خوانده و به مطالبات آن پاسخ مقتضی داده باشید اینک گذشته از معرفت نظری به لحاظ جسمانی و فنی این آمادگی را دارید که بر اجزاء اندامهای صوتی نظارت کنید. می‌توانید تنظیمهای لازم را به سرانجام برسانید و کیفیتهای صوتی متفاوتی خلق کنید و در نهایت با رهنمودهای این مجلد، اجرایی درخور و خلاق به دست دهید.

تکلم نوعی رفتار فرهیخته است، همچنان که «خواندن» چنین است. آموزش شما به هر شکل که بوده باشد، و عادت الگوی شما هم هرچه باشد، همچون همه مردم صداپتان از کیفیتی مخصوص به خود شما برخوردار است که برای خودتان عادی و طبیعی می‌نماید؛ یعنی، قرار تنظیم صدای شما به گونه‌ای است که هست. باید که از چندوچون آن آگاه باشید تا بتوانید تغییرش دهید و با نیازها و مطالبات نقش هماهنگ سازید، همان‌گونه که به لحاظ بصری پوشاک و آرایش ظاهر خود را برای اجرا تغییر می‌دهید. اما برخلاف نیازهای صوری یادشده کار روی صدا باید به وسیله خود شما صورت بگیرد، زیرا «ساز شما از دید ناظران پنهان است. دیده نمی‌شود. نه من می‌توانم ساز شما را بنوازم نه شما می‌توانید ساز مرا بنوازید. علاوه بر

پنهان بودن ساز چندی جنبه‌های فنی را از بابت الگوها و عادت گویشی هم باید به حساب آورد»<sup>1</sup>. یادگیری نحوه تغییر و تنظیم صدای طبیعی ما را قادر می‌سازد تا شخصیت‌پردازی صوتی را هر زمان نیاز افتد اجرا کنیم. این کار قدرت‌نمایی‌ای به حق و خلاق است. اما در این راه باید‌ها و نبایدهایی هست که در این مجلد تا آنجا که به صدای بازیگر مربوط می‌شود به سهم خود به آنها می‌پردازیم. صداسازی شگفت‌انگیز و بخشی از هویت فردی ماست.

جلد دوم شامل دو فصل و دو ضمیمه است. در فصل اول مرور کلی بر اندامهای صوتی و تبیین صدای گویشی و آوازی و فیزیولوژی و تشریح حنجره داریم. سپس به شباهتها و تفاوت‌های دو حوزه صوتی مزبور می‌پردازیم و به دنبال آن از ساختار صدا و نحوه کار آن آگاه خواهیم شد. بهداشت صدا و تمرینهای اولیه و مطالبی پیرامون گویندگی فیلم - صداپیشگی - محتوای قسمتهای بعدی را تشکیل می‌دهد. در فصل دوم به طور اخص بر ساختار حنجره و عملکرد آن متمرکز می‌شویم و با اجزاء این عضو و ارتباطشان با یکدیگر در امر آواسازی به طور مبسوط آشنا می‌گردیم و تمرینهای مربوط را پا به پای مطالب، پیش خواهیم برد.

ضمیمه‌ها به صورت تألیف و ترجمه آماده شده است، که ضمیمه 1 شامل مطالبی درباره فضا، حرکت و بدن است و ضمیمه 2 ترجمه نمایشنامه کوتاهی است به نام «ترانه عاشقانه» اثر «اسلاومیر مروژک»، نمایشنامه‌نویس معاصر لهستانی<sup>2</sup>. این نمایشنامه قالبی تمثیلی و لحنی طنزآمیز دارد، با قابلیت اجرایی موسیقایی و خودآزمایی در زمینه شخصیت‌پردازی صوتی واقع‌گرایانه یا تخیلی و کارتونی. پیش از آنکه پیشگفتار را تمام کنم لازم می‌دانم نخست از گروه هنر «سمت»، که این مدت صبورانه پیگیر آماده شدن مجلد دوم بود و هر زمان رهنمودی یا منبعی لازم می‌افتاد دریغ نمی‌داشت، سپاسگزاری کنم و سپس از دوستان و عزیزانی که به نحوی کنار کار بودند، به ویژه گروه سینما تئاتر آیین.

## داود دانشور

1. Stohrer, Sharon, *The Singer's Companion*, p. 48.

2. اسلاومیر مروژک، نمایشنامه‌نویس، داستان‌نویس و مقاله‌نویس توانا که در سال 2013 میلادی در شهر نیس فرانسه درگذشت. وی در 15 ژوئن 1930 به دنیا آمده بود.